

### متن پرسش

سلام استاد طاهرزاده عزیز: نظرتان راجع به این سخنان استاد میرباقری چیست؟ انتقاد استاد میرباقری از عرفان مبتنی بر معرفت النفس آیت الله سید محمد مهدی میرباقری در سخنرانی شب دوم محرم الحرام ۱۴۳۹ قمری (۱۳۹۶ شمسی) در مدرسه فیضیه حوزه علمیه قم، ضمن تأکید بر لزوم وصول مومنین به امام معصوم علیه السلام از عرفان های مبتنی بر معرفت نفس انتقاد نمود. بخشی از سخنان ایشان را در ذیل مشاهده می‌کنید: انسان تا به امام نرسیده در حجاب است، دنبال خداوند متعال می‌گردد، خودش را پیدا می‌کند، به درونش نگاه می‌کند خودش را می‌بیند و در بیرون سایر مخلوقات را، انسانی که با خودش در عالم سیر می‌کند، هم خودش حجاب خودش می‌شود هم عالم حجاب انسان می‌شود و آن انسان در تاریکی است. ولی همین که انسان به امام رسید و این خورشید را درک کرد به تعبیر امام رضا علیه السلام: *الإمام كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ...* [۱] این خورشیدی که عالم را روشن کرده، وقتی این خورشید دیده شد و هم در درون انسان روشن شد، به تعبیر امام باقر علیه السلام به ابوخلد کابلی: امام قلب مومن را روشن می‌کند و نور امام در قلب مومن از خورشید در روز روشن آشکارتر است؛ *وَ اللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ لَنُورُ الإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنُورٌ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ* [۲] اگر کسی به امام رسید از درون نورانی می‌شود *الْمُؤْمِنُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ* [۳] و با نور الهی به عالم نگاه می‌کند. وقتی به امام رسید و از نفس خودش و شیاطین و حجاب های ظلمانی خارج شد، سیرش با امام شروع می‌شود. عنایت بکنید معرفت نفس جز از این طریق واقع نخواهد شد، اینکه می‌گویند انسان باید به معرفت نفس برسد، معرفت نفس وقتی است که انسان به امام برسد، تمام هدایت ها از امام ناشی می‌شود. امام آن خورشیدی است که خداوند متعال در عالم روشن کرده است. اگر آن خورشید بر وجود انسان نتابد، انسان عوالم خودش را نمی‌بیند. معرفت نفس هم جز با معرفت امام، هدایت امام و همراهی با امام حاصل نمی‌شود. اینکه کسی خیال بکند خود انسان شروع می‌کند و از طریق معرفت النفس، من عرف نفسه فقد عرف ربه، نفس خودش را پیدا می‌کند و خدا را پیدا می‌کند اینها توهمات است اینها [ناشی از] ریاضات است. اینها خود حجاب بر روی حجاب است. انسان تا به امام نرسد و همراه با امام علیه السلام نشود نمی‌تواند معرفت نفس پیدا کند و نمی‌تواند آیات انفسی و آفاقی را ببیند. همه عالم ظلمات می‌شود. درون خودش و بیرون را تاریک می‌بیند. قوای ظاهری خودش را هم نمی‌بیند تا چه رسد به باطن و معرفت النفس! معرفت النفس نیز مانند سایر آیات است. این احتیاج به ارائه الهی دارد. سنرپهم آیاتنا فی الافاق [۴] و ارائه

آیات با نور امام علیه السلام واقع می شود. انسانی که به امام رسید از الان در وادی بهشت سیر می کند. نقطه مقابل هم سیر با نفس است. سیر با ائمه نار و اولیای طاغوت. اگر با آنها سیر کردید، سیر انسان در وادی ظلمات است. هر چه اتصال انسان به آنها شدیدتر شود، ظلمات بعضها فوق بعض [۵] حجابهای ظلمانی او بیشتر می شود. هم قوای درونی او تاریک تر می شود هم در بیرون. در زندان ظلمات اولیای طاغوت زندانی می شود.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در جریان سخنان استاد هستم. ولی امثال علامه طباطبایی که در کتاب ارزشمند «رسالة الولاية» بر معرفت نفس تأکید دارند در همان بستری که ائمه اشاره می کنند، بر معرفت نفس تأکید می کنند. پس نباید به کلی معرفت نفس را نفی کرد. در این مورد خوب است به کتاب «رسالة الولاية» رجوع شود. موفق باشید